
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۶۱

آیه ۹۴-۹۵

آیه و ترجمه

و ما ارسلنا فی قریة من نبی الا اخذنا اهلها بالباساء و الضراء لعلهم یضرعون ۹۴
 ثم بدلنا مکان السيئة الحسنة حتی عفوا و قالوا قد مس ءاباءنا الضراء والسراء
 فاخذنهم بغتة و هم لا یشعرون ۹۵

ترجمه :

۹۴ - ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آنرا
 به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم شاید (بخود آیند و به سوی
 خدا) بازگردند.

۹۵ - سپس (هنگامی که این هشدارها در آنها اثر نگذاشت) نیکی (و فراوانی
 نعمت و رفاه) به جای بدی (و ناراحتی و گرفتاری) قرار دادیم آن چنان که
 فزونی گرفتند (و همه گونه نعمت و برکت یافتند و مغرور شدند) و گفتند
 (تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم) به پدران ما نیز ناراحتیهای
 جسمی و مالی رسید چون چنین شد آنها را ناگهان به اعمالشان گرفتیم (و
 مجازات کردیم).

تفسیر :

اگر هشدارها موثر نیفتد

این آیات که بعد از ذکر سرگذشت جمعی از پیامبران بزرگ مانند نوح و هود و
 صالح و لوط و شعیب، و پیش از پرداختن به سرگذشت موسی بن عمران آمده،
 اشاره به چند اصل کلی است که در همه ماجراها حکومت می کند، اصولی که
 اگر در آن بیندیشیم پرده از روی حقایقی پر ارزش که تماس با زندگی همه
 ما دارد برخواهد داشت.

نخست می گوید: «ما در هیچ شهر و آبادی، پیامبری نفرستادیم مگر

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۶۲

اینکه مردمش را گرفتار ناراحتیها و بلاها ساختیم، تا کمی به خود آیند و دست

از طغیان و سرکشی بردارند و به سوی آن کس که همه نعمتها از وجودش سرچشمه می‌گیرد بازگردند (و ما ارسلنا فی قریة من نبی الاخذنا اهلها بالباساء و الضراء لعلهم یضرعون).

و این به خاطر آن است که مردم تا در ناز و نعمتند کمتر گوش شنوا و آمادگی برای پذیرش حق دارند اما هنگامی که در تنگنای مشکلات قرار می‌گیرند و نور فطرت و توحید آشکارتر می‌گردد، بی اختیار به یاد خدا می‌افتند و دل‌هایشان آماده پذیرش می‌گردد، ولی این بیداری که در همه یکسان است در بسیاری از افراد زودگذر و ناپایدار است و به مجرد برطرف شدن مشکلات بار دیگر در خواب غفلت فرو می‌روند ولی برای جمعی نقطه عطفی در زندگی محسوب می‌شود و برای همیشه، به سوی حق باز می‌گردند، و اقوامی که در آیات گذشته از آنها سخن گفته شد، جزء دسته اول بودند!

لذا در آیه بعد می‌گوید: هنگامی که آنها در زیر ضربات حوادث و فشار مشکلات تغییر مسیر ندادند و همچنان در گمراهی خود باقی ماندند، مامشکلات را از آنها برداشتیم و به جای آن گشایش و نعمت قرار دادیم، تا آنجا که بار دیگر زندگانی آنها رونق گرفت و کمبودها به فزونی تبدیل شد و مال و نفرات آنها فراوان گردید (ثم بدلنا مکان السيئة الحسنة حتی عفو). «عفو» از ماده «عفو» است که گاهی به معنی کثرت و زیادی آمده و گاهی به معنی ترک کردن و اعراض نمودن و گاهی نیز به معنی محو آثار چیزی کردن، ولی بعید نیست که ریشه همه آنها همان ترک کردن بوده باشد، منتها گاهی چیزی را به حال خود رها می‌کنند تا ریشه بدواند و توالد و تناسل کند و افزایش یابد،

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۶۳

و گاهی رها می‌کنند تا تدریجا محو و نابود گردد، از این جهت به معنی افزایش و یا نابودی نیز آمده است. در آیه مورد بحث نیز مفسران سه احتمال داده‌اند. نخست اینکه ما به آنها امکانات دادیم تا افزایش یابند و آنچه را که در دوران سختی از نفرات و ثروتها از دست داده بودند بیابند. دیگر اینکه ما آنچنان به آنها نعمت دادیم که مغرور شدند، و خدا را فراموش

کردند و شکر او را ترک گفتند.
دیگر اینکه ما به آنها نعمت دادیم تا بوسیله آن آثار دوران نکبت را «محو»
کردند و از بین بردند.
البته این تفاسیر گرچه مفهومی با هم متفاوت است ولی از نظر نتیجه چندان
با هم تفاوت ندارد.
سپس اضافه می کند به هنگام برطرف شدن مشکلات، به جای اینکه به این
حقیقت توجه کنند که نعمت و «نعمت» به دست خدا است و رو به سوی او
آورند، برای اغفال خود به این منطق متشبث شدند، که اگر برای ما مصائب و
گرفتاریهایی پیش آمد، چیز تازه‌ای نیست پدران مانیز گرفتار چنین مصائب
و مشکلاتی شدند دنیا فراز و نشیب دارد و برای هر کس دوران راحتی و سختی
بوده است سختیها امواجی ناپایدار وزود گذرند (و قالوا قد مس آبائنا الضراء و
السراء).
در پایان، قرآن می گوید: هنگامی که کار به اینجا رسید و از عوامل
تربیت کمترین بهره‌ای نگرفتند، بلکه بر غرور خود افزودند «ناگاه آنها را
به مجازات خود گرفتیم، در حالی که آنها هیچ خبر نداشتند و
غافلگیر شدند» و به همین جهت مجازات برای آنها، سخت دردناک
بود (فاخذناهم بغيته و هم لا يشعرون).